

قسمت اول

گزارش وضع اقتصادی کشور

رونق اقتصادی و مخاطرات تورمی آن شکل گرفت. رشد اقتصادهای پیشرفته از ۳/۷- درصد در سال ۲۰۰۹ به ۳/۱ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید، در حالی که رشد اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه با ۴/۵ واحد درصد افزایش نسبت به سال گذشته در مجموع به ۷/۳ درصد رسید.

روند تغییر شاخص‌های مربوط به اشتغال در سطح جهان که در دو سال گذشته حاکی از کاهش میزان اشتغال بود طی سال ۲۰۱۰ به تدریج بهبود یافت؛ هرچند نرخ بیکاری در کشورهای پیشرفته همچنان نسبت به روندهای تاریخی بالا بود و در اقتصادهای نوظهور بیشتر نیروی کار جوان را تحت تاثیر قرار داد. در عین حال، روند بهبود وضعیت اشتغال به‌گونه‌ای نبود که مجدداً سطوح اشتغال در سال‌های قبل از بروز بحران را تامین نماید. در سال ۲۰۱۰، حدود ۲۰۵ میلیون نفر در سراسر جهان بیکار بودند که این آمار نسبت به سال ۲۰۰۷ حدود ۳۰ میلیون نفر افزایش نشان می‌دهد.

با وجود افزایش تدریجی قیمت مواد اولیه، فشارهای تورمی در اقتصادهای پیشرفته به دلیل مهار انتظارات تورمی و وجود مازاد ظرفیت در سال ۲۰۱۰ محدود بود؛ هرچند در برخی موارد استثنایی نیز (برای مثال در کشور انگلستان) مشاهده شد. با این حال، در اقتصادهای نوظهور فشارهای تورمی قوی‌تر بود که تا حدی از قیمت بالاتر مواد اولیه و همچنین محدود بودن ظرفیت‌های تولیدی ناشی می‌شد. برخی از بانک‌های مرکزی در اقتصادهای نوظهور به دلیل تقویت نگرانی‌های مربوط

فرآیند بهبود شرایط اقتصاد جهانی که به دنبال بروز بحران مالی در سال ۲۰۰۷، از سال ۲۰۰۹ به تدریج آغاز شده بود، در سال ۲۰۱۰ نیز همچنان ادامه یافت. طی نیمه اول این سال، به دنبال اتخاذ محرک‌های مختلف پولی و مالی، عادی شدن شرایط تامین مالی و نیز افزایش اعتماد مصرف‌کنندگان، رونق اقتصادی تقویت شد. در این دوره، بنگاه‌های تولیدی در واکنش به چشم‌انداز مطلوب اقتصاد جهانی موجودی انبار خود را افزایش دادند که این عامل نقش موثری در رشد تولید ناخالص داخلی اقتصادهای عمده جهان ایفا کرد. بهبود شرایط و افزایش مجدد سطح فعالیت‌های اقتصادی که به دنبال رونق بخش تولید به وقوع پیوست با افزایش چشمگیر تجارت جهانی همراه بود. با این حال، طی نیمه دوم سال ۲۰۱۰، سرعت بهبود اقتصاد جهانی تا حدودی کاهش یافت که عمدتاً به سیکل طبیعی موجودی انبار و کاهش محرک‌های مالی در سطح جهان مربوط بود.

نرخ رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۰ به حدود ۵/۱ درصد بالغ شد که افزایش چشمگیری نسبت به سال گذشته (۰/۷- درصد) نشان می‌دهد. حجم تجارت جهانی نیز در سال ۲۰۱۰ به میزان ۱۲/۸ درصد رشد یافت. با این حال، سرعت بهبود اقتصادی در مناطق مختلف جهان یکسان نبود. اقتصادهای پیشرفته در این سال رونق نسبتاً ملایمی را تجربه کردند، در صورتی که اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه به‌ویژه اقتصادهای نوظهور آسیایی در بهبود اقتصادی جهان پیشرو بودند و حتی در برخی از این اقتصادها نگرانی‌هایی در خصوص تشدید

فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

در ایالات متحده آمریکا بهبود وضعیت اقتصادی در سال ۲۰۱۰ تداوم یافت. در نتیجه اعمال محرک‌های قابل توجه کلان اقتصادی و ارتقای تدریجی بازارهای مالی، افزایش ملایمی در رشد اقتصادی به وقوع پیوست. پس از کاهش ۳/۵ درصدی رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۹، این متغیر در سال ۲۰۱۰ معادل ۳/۰ درصد رشد یافت. رشد تقاضای داخلی خصوصی در مقایسه با استانداردهای تاریخی نسبتاً کند بود که این امر ناشی از پایین بودن رشد مخارج مصرفی بود. رشد مخارج خانوارها به دلیل بالا بودن نرخ بیکاری، سطوح پایین اعتماد و تلاش برای جبران کسری تراز مالی بخش خصوصی همچنان پایین بود. در عین حال، جهش قوی سرمایه‌گذاری در تجهیزات و نرم‌افزارها عامل مهمی در تداوم بهبود اقتصادی به‌شمار می‌آمد که عمدتاً از افزایش امکان دسترسی به منابع مالی و چشم‌انداز مناسب برای سودآوری بنگاه‌ها ناشی می‌شد. علاوه بر این، رشد اقتصادی تحت تاثیر عوامل کوتاه‌مدت مانند سیاست‌های دولت برای حمایت از بهبود اقتصادی و تجهیز مجدد موجودی انبار نیز قرار داشت. در سال ۲۰۱۰، تحولات تجارت خارجی اثر منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی این کشور داشت، چرا که به دلیل فزونی واردات نسبت به صادرات، خالص صادرات منفی شد. کسری حساب‌جاری که طی دوره رکود به‌میزان زیادی کاهش یافته بود با آغاز بهبود اقتصادی به‌طور ملایم افزایش یافت و از متوسط ۲/۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ به ۳/۲ درصد در سال ۲۰۱۰ بالغ گردید. در این سال بخش مسکن ایالات متحده آمریکا بهبودی تجربه نکرد. پس از افزایش ملایم فعالیت‌های بخش مسکن در نیمه اول سال، قیمت مسکن و فعالیت‌های ساخت و ساز به دنبال توقف برخی مشوق‌های بخش مسکن مجدداً کاهش یافت. این تحولات در مجموع باعث شد تا بخش مسکن در سال ۲۰۱۰ نقش ضعیفی را در بهبود فرآیند

به افزایش تورم ناشی از رونق بیش از اندازه فعالیت‌های اقتصادی، نسبت به کاهش تزریق نقدینگی و انقباض سیاست پولی خود اقدام کردند. طبق آمارهای موجود، متوسط سالانه تورم کالاها و خدمات مصرفی در اقتصادهای پیشرفته و اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در سال ۲۰۱۰ به‌ترتیب معادل ۱/۶ و ۶/۱ درصد بود.

جریان سرمایه جهانی به‌میزان زیادی پس از دوره رکود افزایش یافت، اما هنوز هم در بسیاری از اقتصادها پایین‌تر از متوسط دوره پیش از رکود بود. در این میان، چشم‌انداز مثبت رشد و بازده‌های نسبتاً بالا در بازارهای نوظهور، حرکت جریان سرمایه به سمت این اقتصادها را سرعت بخشید؛ اما در مقابل، رشد آهسته فعالیت‌های اقتصادی و سیستم‌های مالی آسیب‌دیده همچنان موجب کاهش جریان سرمایه بین اقتصادهای توسعه‌یافته بود.

۱-۱- اقتصادهای پیشرفته

رشد اقتصادی در اقتصادهای پیشرفته در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت، هرچند در نیمه دوم سال مذکور این رشد با کاهش مواجه شد که عمدتاً ناشی از پویایی‌های معمول سیکل‌های تجاری و نیز کاهش محرک‌های مالی و تغییرات جریان موجودی انبار طی این سال بود^(۱). پویایی‌های سیکل‌های تجاری به‌گونه‌ای عمل نمود که با کاهش نگرانی‌ها از رکود اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۹، بنگاه‌های اقتصادی استفاده از موجودی انبار خود را کاهش داده و سپس با تقویت اعتماد عمومی، ذخایر انبار را افزایش دادند. این امر به افزایش شدید تولیدات صنعتی و حجم تجارت در نیمه اول سال ۲۰۱۰ انجامید و با طی شدن این فاز، از حجم تجارت و تولید صنعتی در نیمه دوم سال کاسته شد.

۱- گزارش سالانه هیات رئیسه فدرال رزرو، سال ۲۰۱۰

گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۸۹

سال ۲۰۱۰ به بالاتر از ۳ درصد بالغ شدند که دلیل عمده آن تضعیف پیوند و افزایش مالیات بر ارزش افزوده بود. فرایند بهبود اقتصادی در کشور ژاپن به دنبال اتخاذ سیاست‌های پولی تطبیقی و محرک‌های عمده مالی در سه فصل اول سال ۲۰۱۰ ادامه یافت. این فرآیند از تقاضای بالای جهانی به‌ویژه از سوی اقتصادهای نوظهور آسیایی در نیمه اول سال ۲۰۱۰ نیز منتفع شد. در نیمه دوم سال همراه با کاهش رشد تجارت جهانی از سهم بخش خارجی در گسترش فعالیت‌های اقتصادی کاسته شد، در حالی که تقاضای داخلی همچنان قوی بود. با این حال، تا پایان سال به دنبال توقف محرک‌های بخش دولتی، تقاضای داخلی نیز دچار نوسان شد که همین امر اختلال در فرآیند رشد اقتصادی ژاپن را فراهم کرد. شرایط بازار کار در این کشور نیز در سال ۲۰۱۰ تا حدی بهبود یافت، هرچند نرخ بیکاری نسبت به استانداردهای تاریخی بالا بود. متوسط سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده در ژاپن طی سال ۲۰۱۰ بیشتر نزولی بود، با این حال در ماه اکتبر، تورم کالاهای مصرفی برای اولین بار طی دو سال مثبت شد که عمدتاً به دلیل افزایش مالیات بر سیگار و بالا بودن قیمت مواد اولیه بود، هرچند تورم پایه به روند نزولی خود ادامه داد.

کانادا از اوایل سال ۲۰۱۰ و به دنبال خروج از رکود اقتصاد جهانی، رشد بالایی را تجربه کرد. این رشد از عواملی همچون تقاضای داخلی قوی، محرک‌های کلان اقتصادی و جهش صادرات نشات گرفت. در فصل سوم سال مذکور، به دلیل کاهش فعالیت‌های ساختمانی و نیز اثر منفی خالص تجارت خارجی بر رشد، تا حدودی از سرعت بهبود اقتصادی این کشور کاسته شد. وضعیت بازار کار در این کشور نسبتاً مناسب بود، به‌گونه‌ای که همراه با بهبود شرایط اقتصادی، به تدریج از نرخ بیکاری کاسته شد. با این حال، علی‌رغم کاهش نرخ بیکاری در

اقتصادی آمریکا ایفا کند^(۱). متوسط تورم سالانه شاخص قیمت کالاهای مصرفی این کشور از رقم ۰/۳- درصد در سال ۲۰۰۹ به ۱/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید که دلیل عمده آن افزایش قیمت حامل‌های انرژی بود. تورم کالاهای مصرفی به‌استثنای مواد غذایی و انرژی همچنان کند بود و از متوسط ۱/۷ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۱/۰ درصد در سال ۲۰۱۰ تنزل یافت.

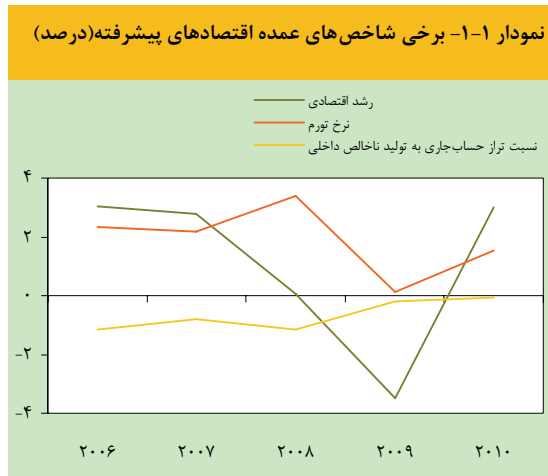
وجود کسری بودجه بالا، نسبت‌های فزاینده بدهی به تولید ناخالص داخلی و افزایش بدهی‌های دولتی که از سال ۲۰۰۹ در برخی از کشورهای حوزه اروپا مثل یونان و پرتغال آغاز شده بود، در ماه مه سال ۲۰۱۰ به اوج خود رسید و مشکلاتی را برای اقتصاد این حوزه فراهم آورد. با این حال، رشد اقتصادی منطقه اروپا در نیمه اول سال ۲۰۱۰ فراتر از انتظار بود که تا حدی ناشی از محرک‌های بودجه‌ای و سیاست‌های پولی تطبیقی^(۲) و نیز بهبود شرایط اقتصادی جهان بود. در نیمه دوم این سال، رشد اقتصادی در منطقه مذکور نیز تا حدی تعدیل شد. رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی این منطقه با ۶/۱ واحد درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۹ به ۱/۸ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. در سال ۲۰۱۰، کشورهای این حوزه حمایت‌های مالی قابل ملاحظه‌ای را از سیستم بانکی اتحادیه اروپا به عمل آوردند و پرداخت اعتبار به اقتصادهای دارای مشکل را تسهیل کردند. تورم در این منطقه نیز به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. با این حال، تورم کالاهای و خدمات مصرفی به‌استثنای مواد غذایی و انرژی در این اقتصادها همچنان در سطوح پایین باقی ماند و در برخی موارد تضعیف شد. یک استثنا در این میان به کشور انگلستان مربوط می‌شد که هر دو شاخص تورم کالاهای و خدمات مصرفی و تورم پایه^(۳) طی

۱- گزارش سالانه ECB، ۲۰۱۰

۲ - Accommodative

۳ - Core Inflation

فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان



دسامبر این سال (۷/۶ درصد) به پایین‌ترین رقم از ژانویه ۲۰۰۹، این نرخ همچنان بسیار بالاتر از سطوح پیش از بحران بود^(۱). تورم کالاها و خدمات مصرفی و نیز تورم پایه در کشور کانادا در این سال در محدوده مورد هدف بانک مرکزی یعنی در دامنه ۱ تا ۳ درصد قرار گرفت. تورم سالانه کالاها و خدمات مصرفی این کشور در نیمه دوم سال ۲۰۱۰ رو به افزایش نهاد و به ۲/۴ درصد در ماه دسامبر رسید که عمدتاً ناشی از افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی بود. تورم پایه نیز به دنبال کاهش ملایم طی این سال به ۱/۵ درصد در ماه دسامبر رسید.

جدول ۱-۱- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای پیشرفته

(درصد)

تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم		رشد اقتصادی				
	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۰۹			
	-۰/۲	-۰/۲	۱/۶	۰/۱	۳/۱	-۳/۷	اقتصادهای پیشرفته
	-۳/۲	-۲/۷	۱/۶	-۰/۳	۳/۰	-۳/۵	ایالات متحده
	۰/۳	۰/۱	۱/۶	۰/۳	۱/۸	-۴/۳	منطقه اروپا
	۵/۷	۵/۶	۱/۲	۰/۲	۳/۶	-۵/۱	آلمان
	-۱/۷	-۱/۵	۱/۷	۰/۱	۱/۴	-۲/۶	فرانسه
	-۳/۳	-۲/۱	۱/۶	۰/۸	۱/۳	-۵/۲	ایتالیا
	-۴/۶	-۵/۲	۲/۰	-۰/۲	-۰/۱	-۳/۷	اسپانیا
	۳/۶	۲/۸	-۰/۷	-۱/۴	۴/۰	-۶/۳	ژاپن
	-۳/۲	-۱/۷	۳/۳	۲/۱	۱/۴	-۴/۹	انگلستان
	-۳/۱	-۳/۰	۱/۸	۰/۳	۳/۲	-۲/۸	کانادا
	۷/۰	۸/۰	۲/۳	۱/۳	۸/۴	-۰/۷	اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده

ماخذ: صندوق بین‌المللی پول، «گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان»، سپتامبر ۲۰۱۱

حمایت از نرخ بهره هدف صورت گرفته بود، در آگوست سال ۲۰۱۰ کمیته بازار باز فدرال رزرو تصمیم گرفت ذخایر اوراق بهادار خود را در سطوح موجود حفظ کند. این تصمیم از طریق سرمایه‌گذاری مجدد منابع حاصل از بازپرداخت بدهی شرکت‌ها و اوراق بهادار رهنی بنگاه‌ها در اوراق خزانه بلندمدت‌تر صورت پذیرفت که به نوبه خود زمینه مناسبی را برای اعمال سیاست‌های انبساط پولی و حمایت از سیاست‌های مالی دولت فراهم آورد.

بانک‌های مرکزی در اقتصادهای پیشرفته عمدتاً از سیاست پولی تطبیقی پیروی و در برخی موارد نیز اقداماتی را در جهت حذف این سیاست اتخاذ کردند. کمیته بازار باز فدرال رزرو آمریکا (FOMC) طی سال ۲۰۱۰ نرخ هدف وجوه فدرال را بدون تغییر و در سطح دامنه صفر تا ۰/۲۵ درصد تثبیت نمود و اعلام کرد که شرایط اقتصادی برای یک دوره نسبتاً طولانی نیازمند سطوح پایین نرخ وجوه فدرال است. علی‌رغم بازنگری در سیاست افزایش نقدینگی که به منظور

۱- گزارش سالانه ECB، ۲۰۱۰

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۹

ثابت از جمله این سیاست‌ها بود. در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۱۰، مقامات ژاپنی برای اولین بار از سال ۲۰۰۴، اقدام به دخالت در بازار ارز خارجی نمودند تا مانع از تقویت ارزش ین شوند.

بانک مرکزی کانادا هدف نرخ بهره شبانه خود را به میزان ۰/۵ واحد درصد در سه ماهه سوم سال افزایش داد، اما پس از آن نرخ سیاستی خود را در سطح یک درصد تثبیت نمود. با اینکه این بانک از اواسط سال ۲۰۱۰ اقداماتی را در جهت انقباضی نمودن سیاست پولی خود اتخاذ نمود اما حمایت از فعالیت‌های اقتصادی همچنان در فضایی مبتنی بر نرخ‌های بهره پایین، شرایط پایدار بازارهای مالی و تداوم عرضه منابع بانکی که جریان مداومی از اعتبارات را به بنگاه‌ها و خانوارها ارائه می‌کردند، برقرار بود.

۱-۲- اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه

پس از افزایش قابل ملاحظه سطح فعالیت‌های اقتصادی کشورهای نوظهور و در حال توسعه در نیمه اول سال ۲۰۱۰، این اقتصادها در فصل سوم سال مذکور با افت فعالیت‌ها مواجه شدند، اما در فصل چهارم مجدداً رشد پایدار اقتصادی را تجربه نمودند. به طور متوسط طی نیمه اول سال، رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در اقتصادهای نوظهور آسیایی بسیار بالاتر از مقادیر مشاهده شده در اقتصادهای پیشرفته بود. فعالیت‌های اقتصادی در این گروه از اقتصادها که در نتیجه بالا بودن سطح تقاضای داخلی در سطح بالایی قرار داشت، هم‌زمان با اعمال سیاست‌های پولی و مالی تطبیقی حمایت شد. با این حال، با نزدیک شدن تولید به سطوح بالقوه و نیز در پاسخ به افزایش تورم کالاها و خدمات مصرفی، مقامات اقتصادی در بسیاری از این اقتصادها محرک‌های اقتصادی در حوزه‌های پولی و مالی را کاهش دادند. انقباض سیاست‌های پولی در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه تا حدودی از نااطمینانی در خصوص سرعت و ماندگاری بهبود اقتصادی در اقتصادهای پیشرفته که بخش بزرگی از تقاضای اقتصادهای مذکور را تشکیل می‌دهند نیز ناشی می‌شد.

بانک مرکزی اروپا عملیات تامین مالی مجدد^(۱) خود در سررسیدهای ۶ و ۱۲ ماهه را متوقف نمود، اما تامین مالی مجدد با نرخ‌های ثابت در سررسیدهای کوتاه‌مدت‌تر را افزایش داد و نرخ آن را در سطح یک درصد حفظ نمود. بانک مرکزی انگلستان نرخ سیاستی خود را در سطح ۰/۵ درصد و میزان تسهیلات خرید دارایی‌ها^(۲) را در سطح ۲۰۰ میلیارد پوند حفظ نمود.

بانک مرکزی ژاپن اقدامات بیشتری را برای تسهیل سیاست پولی از طریق کاهش نرخ هدف بهره خود از ۰/۱ درصد به دامنه‌ای بین ۰ تا ۰/۱ واحد درصد در پیش گرفت. همچنین، عملیات تسهیلات‌دهی با نرخ ثابت را از دوره ۳ ماهه به ۶ ماهه ارتقا داد و برنامه خرید دارایی‌ها به میزان ۵ تریلیون ین را برای خرید دامنه گسترده‌ای از دارایی‌های مالی شامل اوراق بهادار دولتی، اوراق تجاری، اوراق قرضه شرکتی، وجوه مبادلاتی در بازار سهام^(۳) و صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات^(۴) در پیش گرفت. بانک مرکزی ژاپن طی این سال سیاست پولی تطبیقی را برای تحریک اقتصاد و مقابله با تورم منفی به کار گرفت. کاهش نرخ بهره شبانه در دامنه ۰ تا ۰/۱ درصد در اکتبر سال ۲۰۱۰ و به‌کارگیری ابزارهای دیگر مانند برنامه جدیدی برای خرید دارایی‌ها در کنار افزایش عملیات عرضه وجوه با نرخ بهره

۱- Refinancing Operation

۲- Asset Purchase Facility

۳- Exchange Traded Funds: اوراق بهاداری که به‌صورت شاخصی از مجموعه کالاها، سبد دارایی‌ها یا اوراق سهام مختلف در بازار سهام مبادله می‌شود. این اوراق می‌تواند شاخصی از کل سهام مبادله شده در یک بازار بورس یا توجه به سهم نسبی هر سهم از کل ارزش بازار سهام باشد. این اوراق همانند اوراق سهام در این بازار خرید و فروش شده و سرمایه‌گذاران آن را به‌منظور ایجاد تنوع در سبد دارایی‌های خود با هزینه پایین به کار می‌گیرند.

۴- Real Estate Investment Trust

یکی از ابزارهای تامین منابع مالی که در بخش زمین و مستغلات طراحی شده است. این صندوق‌ها در واقع یک نوع صندوق سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه ثابت می‌باشند که منحصراً برای نگهداری دارایی‌های واقعی، دارایی‌های مرتبط با اوراق بهادار رهنی یا هر دوی آنها ایجاد می‌گردند و به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوانند فرصت‌های سرمایه‌گذاری در دارایی واقعی و شانس سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران کوچک در بخش زمین و مستغلات را فراهم آورند. جلوگیری از انحصار و رانت در بخش مسکن و در نهایت امکان مدیریت تخصصی در بخش املاک و مستغلات از دیگر اهداف این صندوق‌ها می‌باشد.

فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

اتخاذ این سیاست‌ها با بازگشت جریان سرمایه خصوصی به اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور همراه شد. ورود جریان سرمایه بین‌المللی فشارهای رو به بالایی را بر پول ملی این اقتصادها وارد نمود و نگرانی‌هایی را در خصوص امکان افزایش شدید قیمت دارایی‌ها ایجاد کرد. لذا مقامات اقتصادی برای غلبه بر آثار جریان‌های سرمایه‌ای مذکور، مجموعه‌ای از استراتژی‌های مختلف را در پیش گرفتند که شامل مواردی همچون دخالت در بازار ارز خارجی برای کند کردن روند رو به افزایش ارزش پول داخلی، ابزارهای احتیاطی برای بازارهای خاص (مثل بازار دارایی‌های ثابت) و نیز چندین مورد کنترل سرمایه‌ای می‌شد.

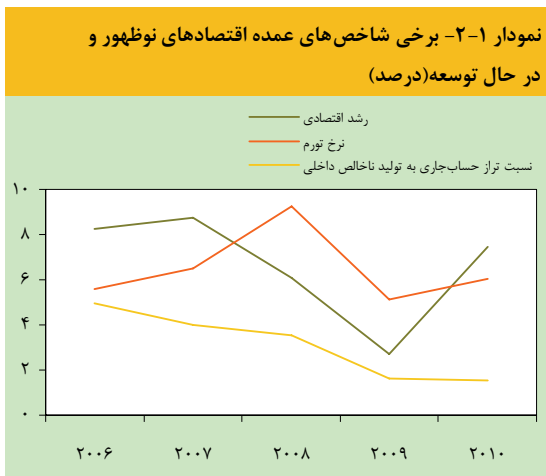
رشد تولید ناخالص داخلی اقتصادهای در حال توسعه آسیایی در سال ۲۰۱۰ به ۹/۵ درصد رسید. در حالی که سیاست‌های پولی و مالی حمایت‌گرایانه به تدریج حذف شد و سهم خالص صادرات در نیمه دوم سال کاهش یافت، رشد تقاضای خصوصی داخلی و به‌ویژه سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص، همچنان از مهم‌ترین دلایل رشد اقتصادی این گروه از اقتصادها به‌ویژه هند و اندونزی به‌شمار می‌آمد. در کشور چین، رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰/۳ درصد افزایش یافت که از رقم مشابه سال قبل (۹/۲ درصد) به میزان ۱/۱ واحد درصد بالاتر بود. عملکرد قوی اقتصادی این کشور در افزایش سهم سرمایه‌گذاری و خالص صادرات انعکاس یافت که اثر منفی حذف تدریجی محرک‌های سیاستی را خنثی نمود. با این حال، اثر سهم مخارج مصرفی در رشد اقتصادی کاهش و هم‌زمان مزاد حساب‌جاری این کشور افزایش یافت که در مجموع حاکی از تقویت عدم توازن‌های داخلی و خارجی موجود در اقتصاد این کشور می‌باشد. در نتیجه افزایش نقدینگی، تسهیل شرایط اعتباری و نرخ بهره‌های حقیقی منفی سپرده‌ها، قیمت دارایی‌ها افزایش یافت. مقامات این کشور در واکنش به این موقعیت اقدام به اتخاذ سیاست‌های انقباضی نمودند و در نتیجه محدودیت‌های مقداری اعتباری شدیدتری وضع گردید و در نهایت نرخ بهره تسهیلات و

سپرده‌ها افزایش یافت. تشدید جریان ورود سرمایه به‌ویژه در فصل آخر سال، به افزایش سریع ذخایر ارز خارجی انجامید. در نتیجه در ژوئن سال ۲۰۱۰، چین به ناچار رویه منعطف‌تری را درخصوص نرخ ارز خود اتخاذ نمود که در نتیجه آن نرخ ارز این کشور به میزان ۴/۷ درصد نسبت به دلار تقویت گردید.

در سایر اقتصادهای نوظهور آسیایی به‌استثنای چین، از سرعت رشد اقتصادی در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۰ کاسته شد. برای مثال، اقتصادهای سنگاپور، مالزی، فیلیپین و تایلند با کاهش فعالیت‌ها مواجه شدند، هرچند در فصل چهارم مجدداً رشد تولید ناخالص داخلی از سر گرفته شد.

در آمریکای لاتین، روند بهبود سطح فعالیت‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۰ همچنان با شتاب تداوم یافت. رشد تولید ناخالص داخلی به‌ویژه در نیمه اول سال بسیار قوی بود که عمدتاً به تقاضای بالای داخلی مربوط می‌شد. سطح تقاضای داخلی در این گروه از اقتصادها به حدی بالا بود که اثر منفی ناشی از افت تقاضای خارجی را خنثی نمود. با این حال، پس از آنکه محرک‌های سیاستی کنار گذاشته شد و تقاضای خارجی نیز تضعیف گردید، از سرعت رشد اقتصادی این گروه از اقتصادهای جهان نیز کاسته شد. در مجموع، نرخ رشد اقتصادی منطقه آمریکای لاتین در سال ۲۰۱۰ با ۷/۸ واحد درصد افزایش نسبت به سال گذشته به ۶/۱ درصد بالغ شد که این افزایش بیشتر به دلیل رشد بالای تشکیل سرمایه ناخالص (شامل موجودی انبار) و نیز بالا بودن مخارج مصرفی خصوصی بود. سرمایه‌گذاری نیز در این ناحیه به دلیل بهبود چشم‌انداز رشد اقتصادی، افزایش قیمت مواد اولیه، کاهش نرخ بهره حقیقی و دسترسی بیشتر به تامین مالی (که در برخی از کشورها با افزایش وام‌دهی توسط بانک‌های دولتی تقویت شده بود) رشد یافت. همچنین، به دلیل بهبود سریع اعتماد عمومی و نیز افزایش اشتغال و دستمزدهای حقیقی، مصرف خصوصی رشد یافت.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۹



پس از تجربه سطوح پایین نرخ تورم در سال ۲۰۰۹، فشارهای تورمی در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در سال ۲۰۱۰ به میزان قابل توجهی افزایش یافت. نرخ تورم اقتصادهای در حال توسعه آسیایی در سال ۲۰۱۰ به حدود ۵/۷ درصد بالغ شد که عمدتاً ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه و مواد غذایی بود. در کشور چین نیز نرخ تورم طی این سال افزایش یافت و به حدود ۳/۳ درصد رسید.

جدول ۱-۲- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه

(درصد)

تراز حساب‌جاری به تولید ناخالص داخلی	نرخ تورم		رشد اقتصادی		
	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۰۹	
	۲/۰	۱/۶	۶/۱	۵/۲	اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه
	۳/۳	۳/۷	۵/۷	۳/۱	کشورهای در حال توسعه آسیایی
	۵/۲	۵/۲	۳/۳	-۰/۷	چین
	-۲/۶	-۲/۸	۱۲/۰	۱۰/۹	هند
	۳/۳	۵/۶	۴/۴	۲/۹	آسه‌آن (ASEAN) (۱)
	-۴/۶	-۳/۱	۵/۳	۴/۷	اروپای مرکزی و شرقی
	۳/۸	۲/۵	۷/۲	۱۱/۲	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع
	۴/۸	۴/۱	۶/۹	۱۱/۷	روسیه
	۷/۷	۲/۴	۶/۸	۶/۶	خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) (۲)
	-۱/۲	-۰/۶	۶/۰	۶/۰	آمریکای لاتین
	-۲/۳	-۱/۵	۵/۰	۴/۹	برزیل
	-۰/۵	-۰/۷	۴/۲	۵/۳	مکزیک
	-۱/۲	-۲/۳	۷/۵	۱۰/۶	جنوب آفریقا

ماخذ: صندوق بین‌المللی پول، «گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان»، سپتامبر ۲۰۱۱

۱- شامل کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند می‌باشد.

۲- شامل کشورهای الجزایر، بحرین، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، عمان، موریتانی، مراکش، قطر، عربستان سعودی، سودان، سوریه، تونس، امارات متحده عربی و یمن می‌باشد.

۱-۳- تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

حال، رشد اقتصادی آرام این منطقه در سال‌های گذشته به ایجاد اشتغال کافی به منظور پاسخ‌گویی به عرضه فزاینده نیروی کار در این کشورها منجر نشد و در نتیجه نرخ بیکاری در این گروه از اقتصادها افزایش یافت. کشورهای منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ شاهد تحولاتی از قبیل ناآرامی در منطقه و افزایش

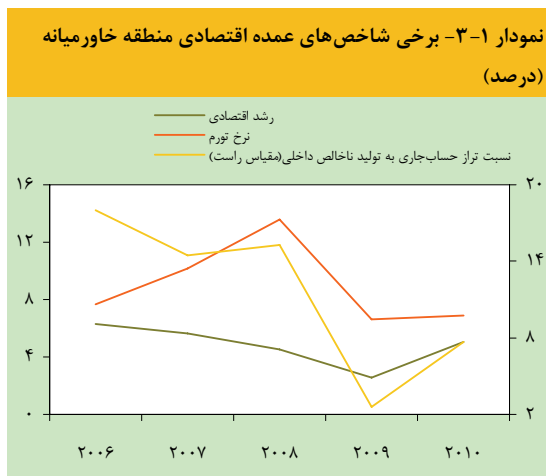
منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۰ در مسیر بهبود و خروج از بحران اقتصادی جهان قرار داشت. نرخ رشد اقتصادی این منطقه از ۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۴/۴ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت که عمدتاً به دلیل رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت در این حوزه بود. با این

فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

را نسبت به بخش عمده‌ای از آثار بحران مالی جهانی مصون نمود و هم‌زمان اعمال اصلاحات مداوم در زمینه آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی به تقویت رشد اقتصادی این کشورها کمک کرد. در کشورهای مصر، اردن، مراکش و تونس، رشد اقتصادی در فصل سوم سال ۲۰۱۰ مجموعاً حدود ۴/۷ واحد درصد بالاتر از رقم سال گذشته بود. با این حال، بروز ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها نیاز به افزایش رشد اقتصادی را تشدید کرد. مطالعه تحولات اقتصادی این منطقه در دهه گذشته نشان‌دهنده آن است که هرچند در مقایسه با دهه ۱۹۹۰، سطح فعالیت‌های اقتصادی این کشورها افزایش یافته، اما رشد درآمد سرانه کشورهای مزبور در مقایسه با سایر اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه پایین‌تر بوده است. نرخ‌های بیکاری بالا نیز چالش عمده دیگری در این منطقه به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که رشد اقتصادی این منطقه در دهه گذشته برای کاهش نرخ بیکاری (که به طور متوسط ۱۲ درصد نیروی کار را شامل شده است) کافی نبوده و این نرخ نسبت به سایر مناطق (بجز آفریقای جنوب صحرا) بالاتر بوده است.

قیمت سوخت و مواد غذایی بودند. در مقابل، کشورهای صادرکننده نفت این حوزه از افزایش شدید قیمت نفت منتفع شده و به مازاد حساب‌جاری و بودجه‌ای دست یافتند که در برخی موارد این مازاد به افزایش مخارج امور اجتماعی در این کشورها منجر شد. مازاد تراز حساب‌جاری کشورهای یاد شده از حدود ۴۹/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به حدود ۱۸۳/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. در پی این افزایش، بسیاری از کشورهای حوزه مذکور مخارج عمومی خود را افزایش داده و پیگیری سیاست‌های اشتغال‌زایی را در دستور کار خود قرار دادند تا به این وسیله از تشدید فشارهای اجتماعی موجود جلوگیری کنند. ناآرامی‌های سیاسی منطقه، ارزیابی‌های مربوط به ریسک در کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه را افزایش داد؛ هرچند به دلیل افزایش قیمت نفت، مزایای مالی زیادی برای این کشورها حاصل شد. مجموعه تحولات مذکور باعث شد تا رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت در این منطقه در سال ۲۰۱۰ به ۴/۴ درصد برسد که در مقایسه با رقم مشابه سال قبل ۲/۶ واحد درصد افزایش داشت. رشد اقتصادی این کشورها نیز بدون احتساب نفت در سال ۲۰۱۰ حدود ۴/۵ درصد بود که نسبت به سال قبل تغییری نداشت.

کشورهای واردکننده نفت منطقه خاورمیانه در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نرخ‌های رشد اندک اما پایداری داشتند. روند تحولات اقتصادی این حوزه طی سال ۲۰۱۰ یکسان نبود و در نیمه دوم سال همراه با افزایش تقاضا برای مواد اولیه، صادرات کشورهای صادرکننده مواد اولیه در این حوزه نیز تا حدودی افزایش یافت. رشد تولید ناخالص داخلی این گروه از کشورها در سال ۲۰۱۰ به ۴/۳ درصد رسید که نسبت به سال گذشته ۰/۱ واحد درصد افزایش داشت. تعامل محدود این کشورها با بازارهای سرمایه بین‌المللی، آنها



جدول ۱-۳- برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای حوزه خاورمیانه و آسیای میانه

تراز حساب جاری		نرخ تورم		رشد اقتصادی		
به تولید ناخالص داخلی (۱)		۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۱۰	▲۲۰۰۹	
۱۰/۶	۴/۱	۶/۷	۵/۹	۴/۴	۱/۸	کشورهای صادرکننده نفت
-۳/۳	-۴/۴	۸/۷	۱۱/۱	۴/۳	۴/۲	کشورهای واردکننده نفت
۵/۸	۰/۳	۷/۲	۶/۲	۶/۷	۳/۷	کشورهای حوزه آسیای میانه
۶/۰	۳/۰	۱۲/۴	۱۰/۸	۳/۲	۳/۵	ایران (۲)

ماخذ: چشم‌انداز اقتصاد منطقه‌ای (خاورمیانه و آسیای میانه)، صندوق بین‌المللی پول، اکتبر ۲۰۱۱

۱- تراز حساب جاری در اقتصاد ایران از نسبت خالص صادرات کالاها و خدمات به تولید (هزینه) ناخالص ملی به قیمت بازار محاسبه شده است.

۲- آمارهای مربوط به ایران براساس آخرین ارقام عملکرد واقعی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ درج شده است.

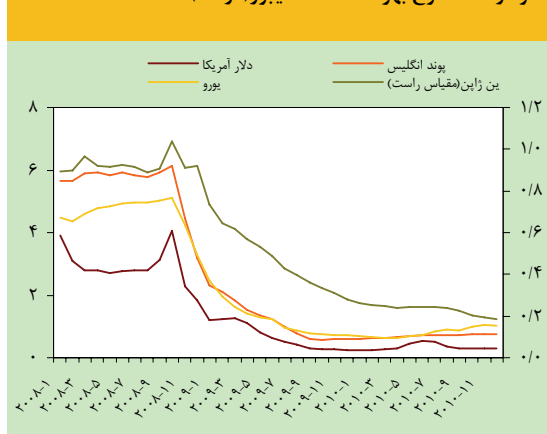
دوره مورد بررسی تنزل یافت که عمدتاً به دلیل بحران بدهی در برخی از کشورهای این حوزه بود. نرخ ارز کشورهای نوظهور و در حال توسعه دارای مازاد تجاری مثل چین، مالزی، سنگاپور و تایلند به میزان ۵ تا ۱۰ درصد افزایش یافت.

۴-۱- تحولات نرخ ارز

در سال ۲۰۱۰، تغییرات قابل توجهی در نرخ ارز موثر حقیقی در اقتصادهای پیشرفته نسبت به سطوح پیش از بحران رخ داد. در این دوره، اقتصادهای نوظهور برخوردار از نرخ‌های ارز انعطاف‌پذیر، حساب سرمایه باز و بازارهای مالی توسعه‌یافته، شاهد ورود جریان بالایی از سرمایه خارجی بودند. این امر باعث تقویت نرخ ارز این گروه از کشورها و در برخی موارد (مثل آمریکای لاتین) به بیش‌نمایی نرخ ارز این گروه از اقتصادها منجر شد.

در میان اقتصادهای پیشرفته، تقویت ارزش ین (به دلیل وجود مازاد تجاری کشور ژاپن) و کاهش ارزش پوند به میزان بیش از ۲۰ درصد در مقادیر موثر حقیقی، بسیار قابل توجه بود. ارزش دلار در فصل سوم سال ۲۰۱۰ کاهش یافت که عمدتاً ناشی از وجود برخی نگرانی‌ها از افت سرعت روند بهبود در ایالات متحده بود. افزایش انتظارات در این خصوص که فدرال رزرو ممکن است در واکنش به تضعیف چشم‌انداز رشد اقتصادی به خرید بیشتر دارایی‌ها اقدام نماید نیز باعث کاهش بیشتر ارزش دلار شد. هرچند که به دنبال اعلام فدرال رزرو مبنی بر خرید اوراق خزانه بلندمدت، ارزش دلار در ماه نوامبر کاهش یافت اما در ادامه و پس از انتشار آمارهای جدید مبنی بر تقویت رشد اقتصادی آمریکا و کاهش انتظارات سرمایه‌گذاران در خصوص میزان خرید دارایی‌ها توسط فدرال رزرو، ارزش دلار مجدداً افزایش یافت. ارزش یورو نیز تقریباً به میزان ۱۰ درصد در

نمودار ۱-۴- نرخ بهره سه ماهه لایبور (درصد)



۵-۱- تحولات بازار مواد اولیه و نفت خام

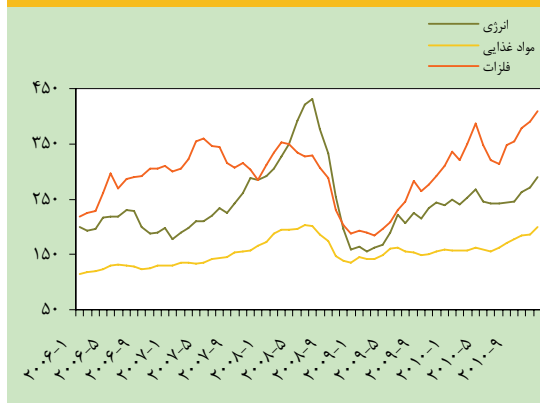
قیمت مواد اولیه طی سال ۲۰۱۰ به دلیل وجود تقاضای قوی از سوی اقتصادهای نوظهور و محدودیت‌های عرضه، دچار افزایش شد. در این میان، قیمت فلزات به‌ویژه مس، نیکل و قلع افزایش بالایی را تجربه کرد؛ به‌گونه‌ای که شاخص قیمت پایه صندوق بین‌المللی پول برای فلزات حدود ۴۰ درصد افزایش یافت که علاوه بر کاهش عرضه فلزات یاد شده، عمدتاً به بهبود فراتر از انتظار اقتصادهای نوظهور و نیز اقتصادهای پیشرفته مربوط بود. به علت وجود محدودیت‌های عرضه و افزایش

فصل ۱ خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

نفت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) کاهش عمده‌ای را تجربه کند. در سال ۲۰۱۰، تولید جهانی نفت خام به میزان ۳/۲ درصد افزایش یافت که حدود نیمی از آن مربوط به تولید کشورهای غیراوپک بود. تولید نفت خام در کشورهای اوپک نیز به میزان ۱/۸ درصد افزایش یافت. در دو ماه ابتدایی سال ۲۰۱۱ نیز به دلیل تحولات سیاسی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، عرضه این کالای استراتژیک کاهش یافت و شتاب افزایش قیمت‌ها را شدیدتر کرد. در مجموع، متوسط قیمت نفت خام برنت در سال ۲۰۱۰ به ۸۰ دلار در هر بشکه رسید که ۲۹ درصد بالاتر از رقم مشابه در سال ۲۰۱۱ قبل بود. قیمت مواد اولیه غیر انرژی نیز در فوریه سال ۲۰۱۱ به میزان ۳۶ درصد بالاتر از رقم مشابه در ابتدای سال ۲۰۱۰ قرار گرفت.

هم‌زمان تقاضا در اقتصادهای نوظهور، قیمت مواد غذایی به‌ویژه ذرت، شکر و گندم نیز افزایش یافت.

نمودار ۱-۵- شاخص قیمت مواد اولیه



قیمت جهانی نفت که با وجود برخی نوسانات در نیمه اول سال ۲۰۱۰ ثابت مانده بود، از آگوست این سال شروع به افزایش نمود. افزایش قیمت نفت عمدتاً به دلیل افزایش تقاضای جهانی آن بود که به نوبه خود به بهبود اوضاع اقتصاد جهانی مربوط می‌شد. همچنین، شرایط آب و هوایی در نیم‌کره شمالی در نیمه دوم سال نیز در این افزایش دخیل بود. در طرف عرضه، تولید در آمریکای شمالی و کشورهای اتحاد شوروی سابق بیش از پیش‌بینی‌ها بود؛ ولی در مقابل، اوپک به‌رغم وجود ظرفیت‌های مازاد خود تصمیم گرفت که سهمیه‌های تولید نفت خود در سال ۲۰۱۰ را افزایش ندهد. مجموعه این تحولات باعث شد تا ذخایر

نمودار ۱-۶- قیمت نفت خام برنت (دلار)

